

در حالی که پول واحد موفق به ایجاد همگرایی در میان اقتصادهای منطقه یورو نشد، راهبرد امنیتی اروپا هم قادر به ایجاد همگرایی فرهنگی دلخواسته در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا نشد



به نظر می‌رسد، اما تلاش یک اروپایی جدی برای جبران بی‌توجهی‌های دهه گذشته نسبت به سامانه‌های هوایی کنترل از راه دور یک هدف بازو در دسترس است. نه فقط توانایی نظامی اروپا بلکه برتری اروپا در هوا و فضای غیرنظامی نیز به آن وابسته است بلکه همه، اعم از صنعت، خدمات خارجی اروپا و کمیسیون اروپا، خواستار آن هستند. این شورا باید کاری بیش از دعای خیر برای آن و ارسال آن به وزیران و موسسات برای پیشرفت آن بکند، درواقع باید مشخص کند که چه می‌خواهد و یک برنامه ریزی دقیق برای رسیدن به آن را تقاضا کند و در سال ۲۰۱۴ این تقاضا را پیگیری کند.

تجربه دهه گذشته، که در آن درباره ادغام و به اشتراک‌گذاری بی‌وقفه بحث شده است، حال آنکه در واقع سطح همکاری‌ها در تحقیق و تدارکات کاهش یافته است، بی‌فایده‌گی رویکرد "پایین به بالا" را اثبات کرده است. به جهت‌دهی‌های سیاسی سطوح بالا و همچنین پافشاری سیاسی در سطوح بالا در موارد راهبردی برای تلاش‌های منسجم‌تر دفاعی اروپا نیاز است. عملگرهای دفاع درک می‌کنند که تلاش آنها باید شروع شود

راهبردی می‌تواند بلافاصله طی کند. اول، کشورهای عضو می‌توانند برنامه‌های دفاع ملی خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند، دقیقاً مانند آن چیزی که اکنون در باره برنامه‌های بودجه‌ای خود با یکدیگر در میان می‌گذارند. چنین "ترم دفاعی" میزان شایعات و دوباره‌کاری در هزینه‌های دفاعی، اندازه و ماهیت شکاف‌های موجود، عدم انسجام برنامه‌های ملی و مهم‌تر از همه، فرصت بهره‌برداری بیشتر با صرف هزینه کمتر را، با ادغام تلاش‌ها و منابع در پروژه‌های جدید برجسته می‌کند. گزارش کاترین اشتون به اجلاس ماه دسامبر شورای اروپا پیشنهاد می‌دهد که شورا به جای "ترویج" این نوع فعالیت‌ها باید آنها را الزامی کند.

دوم، شورای اروپا می‌تواند یک یا دو مورد از پروژه‌های بزرگ یکپارچه‌ساز نمونه را شروع کند. از ایده‌های مطرح‌شده در گذشته می‌توان به حفاظت مشترک از حریم هوایی اروپا اشاره کرد. این کار می‌تواند باعث صرفه‌جویی صدها میلیون یورو با حذف هواپیماهای جنگی و برکناری زیرساخت‌ها در سراسر اروپا شود. چنین جاه‌طلبی برای جلسه ماه دسامبر در حال حاضر دور از دسترس

امنیتی اروپا هم‌قادر به ایجاد همگرایی فرهنگی دلخواسته در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا نشد. تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا در حال حاضر چیزی شبیه به "راهبرد امنیت ملی" برای خود دارند. اما هنگامی که شورای روابط خارجی اروپا اولین بازرسی‌های نظام‌مند را از این اسناد آغاز کرد، ما با "هیاوویی راهبردی" به جای یک فرهنگ امنیتی مشترک مواجه شدیم. تعداد کمی از کشورهای عضو در نقش "راهبردشناس" (استراتژیست) واقعی ظاهر شدند و در بین بقیه عده‌ای جهان‌گرا (globalists) بودند (که بیشتر روی تغییر توازن قدرت و اهداف سیاست کلی بدون باز کردن تبعات عملی آن تمرکز کرده‌اند) عده‌ای منطقه‌گرا (localists) (که برایشان دلمشغولی‌های درون مرزهایشان مهم‌تر از ملاحظات راهبردی گسترده‌تر بود)، عده‌ای ممتنع (abstentionists) بودند (چشم پوشیدن از مجموع راهبردها را در مسائل امنیتی انتخاب کرده اند) و عده دیگری سرگردان (drifters) بودند (که راهبردها را دیگر به سادگی از رده خارج است). چندین مرحله خاص وجود دارد که اروپا برای سرعت بخشیدن به همگرایی در فرهنگ